

یادداشت

موقیبتی کوتاه مدت، ابهامی بلند مدت



محمدرضا بهرامی

سفير پيشين ايران در افغانستان

در ارزیابی اثرات خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان به دو نکته باید توجه داشت: مثبت بودن خروج تمامی نیروهای نظامی خارجی و بازگشت قدرت اعمال حاکمیت به مردم این کشور و همچنین عدم موفقیت طرف‌های خارجی در تحقق اهدافی که مبنای حضور نظامی آنها بود. در این ارزیابی همچنین مناسب است موضوع در دو بعد نحوه خروج و اصل سیاست خروج مورد بررسی قرار گیرد؛ در ارتباط با نحوه خروج تردیدی در هیچ طرفی وجود ندارد که شکل و نحوه خروج از افغانستان نمایشی از بی برنامه‌گی توأم با اشتباه محاسبه در اجرای کردن آن بخش از توافق سیاسی بود که قبل از سقوط کابل، چارچوب آن توسط ۴ طرف طالبان، ساختار سابق افغانستان، آمریکا و قطر بنا نهاده شده بود. این بخش قرار بود تکمیل کننده توافق دوحه در دوران گذار تعریف شده در افغانستان پسا جمهوریّت باشد. دلیل این عدم موفقیت در اجرای کردن توافق سیاسی دقیقاً همان عامل سومی بود که با یک جانبه‌گرایی در سال ۱۹۹۶ نیز شریز را به نفع طالبان و بر خلاف توافق اولیه تغییر داد. بعد دوم موضوع به هدف گذاری‌های مربوط به اصل سیاست خروج برمی‌گردد. مجموعه شرایط و قرائن موجود نشان می‌دهد که این بعد را به دلیل اینکه تنها کنشگر آن آمریکا نبوده و علاوه بر طالبان، منطقه نیز در آن درگیر است، باید متفاوت از بعد اول دید. در این رابطه به نظر می‌رسد سیاست آمریکا بر تعهد به مقابله با بحرانی قرار گرفت که به صورت مستقیم امنیت ملی آن کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد و به همین جهت تلاش کرد نگرانی از افغانستان را با اخذ تضمین از طالبان در قالب توافق دوحه، همکاری‌های مشترک با علی بن طالبان در مقابله با داعش خراسان و هدف قرار دادن مستقیم آن بخش از افراط‌گرای و تروریسم در افغانستان که امکان تهدید از آن وجود دارد را بدون توجه به وضعیت حاکمیت در این کشور برطرف کند. هدف قرار دادن رهبر القاعده در کابل را باید در این مسیر دید. نتیجه اولیه سیاست مذکور با توجه به نوع تهدات پذیرفته شده طالبان در قبال گروه‌های افراطی غیر افغان مستقر در خاک این کشور و ماهیت مناسبات میان این دو موجب شد تا بحران افغانستان متعاقب تسلط طالبان تنها تغییر شکل داده و منابع تهدید در این مرحله متوجه منطقه شده و طبیعتاً هزینه‌های مقابله با این گروه‌ها را مستقیماً منطقه پرداخت کند. شاید بتوان ترجمه این موضوع را اینگونه بیان داشت که: کسب قدرت سیاسی در هر سطحی در این منطقه و در جغرافیای بومی از طریق تولید خشونت توسط گروه‌های افراطی، به شرط خارج نمودن آمریکا از دایره تهدید، با رویکرد مشابهی توسط آمریکا مواجه خواهد شد. مناسبات آمریکا و طالبان نیز به دلیل عدم اجرائی شدن توافق سیاسی که قرار بود مکمل توافقنامه دوحه باشد، در دوره جدید کمی پیچیده و غیر شفاف به نظر می‌رسد. جناح‌های سیاسی طالبان عادی سازی مناسبات با آمریکا را یک اولویت برای خود تعریف کرده‌اند و آمریکا نیز به نغم اینکه از این اولویت بندی اطمینان دارد، اما به نظر می‌رسد هنوز هسته اصلی قدرت در این مجموعه را قایل اتکالیافته و لذا سیاستی را در قبال آنان اتخاذ که می‌توان آن را در چارچوب سیاست «مهار، کنترل و تعدیل» قلمداد کرد. در این راستا، مواضع بخش‌های مختلف آمریکا در قبال گزارش اخیر کمیته نظارت بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوع قطعنامه‌های ۱۹۸۸ و ۱۵۲۶ که بر پایه عدم تأیید یافته‌های کمیته مذکور در خصوص نوع تعامل نزدیک طالبان با دیگر گروه‌های افراطی و یا عدم تأیید نگرانی‌های اخیر پاکستان در خصوص دست داشتن برخی اتباع افغانی در ناآرامی‌های این کشور قرار دارد، مبین پیچیدگی است که مورد اشاره قرار گرفت و احتمالاً می‌تواند ناشی از تعاملاتی غیر علنی و عمدتاً در حوزه امنیتی بین این دو باشد.

خبر

علی بیگدلی: کشور های خلیج فارس بدون روابط با ایران لنگان راه می‌روند



اخیرا دبیر کلی شورای همکاری خلیج فارس گفته است که همه کشورهای این شورا از روند عادی سازی روابط میان عربستان و ایران استقبال کردند و عادی سازی روابط میان تهران و ریاض در ایجاب ثبات در منطقه سهیم خواهد بود. او همچنین بیان کرده که تمایل داریم در چارچوب معاهدات بین‌المللی گفت‌وگوهای عمیقی با ایران داشته باشیم. یک تحلیلگر مسائل بین الملل در این راستا اظهار داشت: در سه- چهار ماه گذشته روابط ایران و عربستان احیا شد اما واقعیت این است که هنوز اختلافاتی میان دو کشور و البته میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس وجود دارد. ولی در عین حال کشورهای خلیج فارس می‌دانند بدون روابط حسنه با ایران لنگان راه می‌روند. آنها هم می‌خواهند روابطی عادی با ایران داشته باشند هم از مسائل هسته‌ای و موشکی ایران ابراز نگرانی می‌کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد اگر قرار باشد ایران به سمت دنیای عرب، به ویژه عربستان و امارات برود، باید بتواند مسئله هسته‌اش را با غربی‌ها حل کند و تحریم‌ها هم رفع شود. علی بیگدلی، گفت: من چندان امیدوار نیستم که در کوتاه‌مدت عربستان و امارات همان سخاوتمندی‌ای که در ارتباطشان با ترکیه دارند را در قبال ایران داشته باشند. ما می‌خواهیم بسترهای سرمایه‌گذاری عربستان و امارات در ایران بالا برود اما قدری برای تحقق این هدف زود است. از طرفی سیاست خارجی ما قدری آرمان‌گرایانه است و همین عامل هم باعث می‌شود یک مقدار زمان زیادی برای عادی‌سازی با سایر همه جانبه در ارتباط ایران با کشورهای عربی نیاز باشد.»

حسین انصاری‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: عملکرد اصولگرایان پایگاه اجتماعی آنها را تضعیف کرد



دولت رئیسی موفق نشده در بین مردم امیدواری ایجاد کند



دولت رئیسی می‌توانست از مواهب توافق دولت روحانی بهره‌برد

آرمان ملی – احسان انصاری: آیا اصولگرایان با دست گرفتن دولت و مجلس با پایگاه اجتماعی خود را تقویت کردند یا تضعیف؟ گفتمان اصولگرایان در دولت رئیسی و مجلس یازدهم به چه میزان از تحقق خواسته‌های مردم موفق بود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد، نماینده سابق مجلس و فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است. انصاری‌راد معتقد است: «شرایط کشور به شکلی نیست که افراد جوان و کم تجربه بتوانند بحران‌ها را مدیریت کنند. شرایط کشور به شکلی است که حتی افراد باتجربه و متخصص که از دانش کافی برخوردار هستند نیز به‌راحتی نمی‌توانند مشکلات را حل کنند. سیاست‌هایی که تاکنون اتخاذ شده همان سیاست‌هایی است که در سال‌های گذشته اصولگرایان دنبال کرده‌اند. کسانی که امروز در مناصب مختلف کشور حضور دارند طرف‌دار همان سیاست‌هایی هستند که امتحان خود را پس داده و مسبب وضعیت موجود جامعه بوده است. نتیجه ادامه این سیاست‌ها این است که امروز مردم ایران با بحران‌های متعددی مواجه هستند». در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

ایا پایگاه اجتماعی اصولگرایان با عملکرد دولت رئیسی و مجلس یازدهم تقویت شده یا تضعیف؟ چرا؟

انتخابات مجلس یازدهم و همچنین انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ با شکلی بر گزار شد که جریان‌های سیاسی در انتخابات بر خوردار بودند و به همین دلیل انتخابات در شرایط رقابتی برگزار نشد. میزان مشارکت در این دو انتخابات نسبت به گذشته کاهش داشت. ما باید بپذیریم که پایه و اساس جمهوری اسلامی و انقلاب سال ۵۷ برخواست و اراده مردم استوار بوده و حضرت امام (ره) همواره به این نکته تأکید کرده‌اند. حضرت امام (ره) با عنوان اینکه مردم من را قبول دارند دستور دادند که دولت موقت تشکیل شود. ایشان همواره خود را نماینده اراده مردم می‌دانست. شکل نظام نیز برای مردم انتخاب شد و مردم بودند که برای قاطع خود جمهوری اسلامی را انتخاب کردند و این نوع نظام را برای مدیریت جامعه برگزیدند.

از سوی دیگر انتخابات مجلس خبرگان نیز برای مردم برگزار شد و خبرگان مردم به پشتوانه رأی مردم قانون اساسی را تصویب کرد. اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از انقلاب نیز در یک فضای کاملاً رقابتی و با حضور همه جریان‌های سیاسی و فکری انجام گرفت. انتخابات مجلس اول شورای اسلامی که بنده نیز در آن حضور داشتم اکثر گروه‌های سیاسی در آن حضور داشتند بر اساس آرای مردم بود انتخاب شدند چه کسانی از چه گروه و جریانی وارد مجلس شوند. این در حالی است که در انتخابات مجلس یازدهم تنها یک جناح سیاسی که همان اصولگرایان بودند در صحنه حضور داشتند و بقیه جریان‌های سیاسی و به خصوص اصلاح‌طلبان با محدودیت مواجه بودند. شرایط به شکلی رقم خورد که حتی شخصیت‌ها و گروه‌های مستقل نیز در انتخابات حضور نداشتند. به همین دلیل مجلسی که شکل گرفت رویکرد اصولگرایی داشت و اصلاح‌طلبان در آن حضور کم رنگی دارند. این در حالی است که در دولت اصلاحات و مجلس ششم اصلاح‌طلبان در اکثریت قرار داشتند و منشأ خدمات زیادی برای کشور شدند. بدون تردید باید تضارب آرا و اختلاف سلیقه وجود داشته باشد. از دل همین اختلاف سلیقه‌های اصولی و منطقی است که تصمیمات صحیح بیرون می‌آید.

با این وجود پس از مجلس ششم شرایطی در انتخابات مجلس رخ داد که اصلاح‌طلبان نتوانستند با حداکثر توانایی خود در انتخابات حضور پیدا کنند و شرایط به شکلی رقم خورد که با محدودیت مواجه بودند. این محدودیت‌ها در برخی مقاطع مانند مجلس دهم تا حدودی کمتر شد اما در اغلب انتخابات این محدودیت‌ها وجود داشت. نتیجه این محدودیت‌ها نیز تشکیل مجلس یازدهم است که از اکثریت اصولگرایان تشکیل شده است. واقعیت این است که پس از انتخابات مجلس ششم اصلاح‌طلبان از صحنه انتخابات کنار گذاشته شدند و تا امروز نیز این وضعیت با اندک تفاوتی وجود داشته است. این وضعیت در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نیز وجود داشت. این عامل به همراه ناکارآمدی‌هایی که در گذشته وجود داشت باعث شده امید مردم نسبت به آینده کاهش پیدا کند.

چرا این اتفاق رخ داده است؟

اگر واقع بینانه به موضوع نگاه کنیم عملکرد اصولگرایان به شکلی بوده که در بین مردم امید ایجاد نکرده است. به‌ر حال آقای رئیسی در رقابت‌های انتخاباتی و در مناظره‌های تلویزیونی وعده‌هایی به مردم دادند. با این وجود مسیری که ایشان در مدیریت کشور در پیش گرفته‌اند امیدواری و رضایت‌مندی در بین مردم ایجاد نکرده است. در مدتی که آقای رئیسی سکان مدیریت کشور را به دست گرفته‌اند نه تورم کاهش پیدا کرده و نه دیگر مشکلات اقتصادی مردم کاهش پیدا کرده است. اتفاقاً روند مشکلات همچنان سیر صعودی دارد و مردم در زندگی خود با تنگنای‌های زیادی مواجه هستند. اگر دولت تاکنون دستاوردی داشته باید در زندگی مردم خود را نشان بدهد. تنها در چنین شرایطی است که مردم نسبت به آینده امیدوار تر ایجاد می‌کنند و از عملکرد دولت رضایت پیدا می‌کنند. امروز همه مشکلات

کرده‌اند. کسانی که امروز در مناصب مختلف کشور حضور دارند طرف‌دار همان سیاست‌هایی هستند که در سال‌های گذشته امتحان خود را پس داده و مسبب وضعیت موجود جامعه بوده است. نتیجه ادامه این سیاست‌ها این است که امروز مردم ایران با مشکلات معیشتی مواجه هستند.

برای عبور از گره خوردن مدیریت کشور به سیاست خارجی و پرونده هسته‌ای چه باید کرد؟

تحریم‌هایی که در دهه‌های اخیر علیه ملت ایران اعمال شده مردم را از بسیاری از مزایای اقتصادی و رفاهی محروم کرده است. تحریم‌ها باعث شده روابط اقتصادی ما با کشورهای جهان با چالش‌های جدی مواجه شود که این عامل مهمی در مشکلات اقتصادی داخلی به شمار می‌رود. برای ملت ایران حتی اینکه تحریم‌ها یک روز نیز زودتر برداشته شود حائز اهمیت است. این در حالی است که در ماه‌های اخیر وقت دولت صرف مذاکره با کشورهای غربی شده و هنوز نیز به نتیجه قطعی دست پیدا نکرده‌اند. حتی با توجه به شرایط موجود این احتمال وجود دارد که مذاکرات اصلاً به نتیجه نرسد.

آنچه در این میان از بین رفت زمان بود و اگر زودتر مذاکرات به نتیجه می‌رسید امروز مردم از مواهب برداشته شدن تحریم‌ها استفاده می‌کردند. هر لحظه که تحریم‌ها برداشته شود و به هر اندازه که ایران بتواند با آزادی در عرصه جهانی تجارت خود را انجام بدهد، نفت و گاز خود را بفروشد و بتواند پول‌های آن را دریافت کند به همان میزان دغدغه‌ها و مشکلات مردم کاهش پیدا می‌کند. کسانی که امروز به دنبال برداشته شدن تحریم‌ها هستند در زمانی که برجام امضا شد و قرار بود به نتیجه برسد از مخالفان جدی آن بودند. پس از به قدرت رسیدن بایدن نیز دولت روحانی می‌توانست مذاکرات را به نتیجه برساند و تحریم‌ها را بردارد اما برخی چنین اجازه‌ای ندادند.

ما از هر گشایشی که در زندگی مردم رخ بدهد استقبال می‌کنیم و معتقدیم نباید زمان را از دست داد و بلکه باید تصمیمات را به موقع خود گرفت. امروز متأسفانه شرایط به شکلی شده که برخی کارشناسان مستقل و چهره‌های اصلاح‌طلب نمی‌توانند دیدگاه‌های خود را بیان کنند. مطالبه در شرایط کنونی رابطه با غرب و به همان اندازه رابطه با شرق است. در قانون اساسی نیز روی سیاست نه شرقی نه غربی تأکید شده است.

دولت چگونه می‌تواند این موازنه را ایجاد کند؟

ما باید بپذیریم که شرایط امروز مانند گذشته نیست و دوران سلطه و تسلیم و سازش و از این قبیل مفاهیم گذشته و به همین دلیل باید در عرصه بین‌المللی متعادل رفتار کنیم. نگاه ما باید متناصب با منافع ملی و با رویکرد توازن و رابطه با غرب و شرق باشد. تعادل بین رابطه بین شرق و غرب می‌تواند منافع ملی ما را لحاظ کند. اینکه ما تنها به یک‌طرف تکیه کند و طرف دیگر را کنار بگذارد در واقع باعث خواهد شد فرصت‌های زیادی را از دست بدهد. در چنین شرایطی ایران در شرایطی قرار می‌گیرد که ناچار می‌شود شرایط یک‌طرف را قبول کند. اگر ما به‌صورت هم‌زمان با غرب و شرق ارتباط داشته باشیم در ارتباطات اقتصادی و سیاسی با دست‌باز عمل خواهیم کرد و شرایط به شکلی نیست که ناچار باشیم شرایط دیگران را بپذیریم. امروز وجود ندارد. امروز شرایطی بر جهان حکمفرما نیست که ما هراس داشته باشیم تحت سلطه فلان کشور قرار داشته باشیم. به همین دلیل عدم ارتباط با کشورهای جهان معنا ندارد و بلکه باید با همه کشورهای جهان ارتباط داشت. اگر ما بین رابطه خود با غرب و شرق تعادل ایجاد کنیم می‌توانیم از فرصت‌های بیشتری در بستن قراردادهای اقتصادی استفاده کنیم و ناچار نخواهیم بود به شکلی رفتار کنیم که منافع ملی ما در آن لحاظ نشود. سابقه ارتباط روسیه با ایران سابقه خوبی نیست. چین نیز مانند تاجر یک طرفه‌ای است که همواره معاملاتش را به سود خود تمام می‌کند. ما باید هوشیار باشیم که اعتماد به این دو کشور ما را به بن بست می‌کشاند. به همین دلیل باید رفتار خود را در عرصه بین‌المللی متعادل کنیم تا بتوانیم با دست‌باز با کشورهای جهان رابطه اقتصادی داشته باشیم.

بدون تردید باید تضارب آرا و اختلاف سلیقه وجود داشته باشد. از دل همین اختلاف سلیقه‌های اصولی و منطقی است که تصمیمات صحیح بیرون می‌آید. با این وجود پس از مجلس ششم شرایطی در انتخابات مجلس رخ داد که حداکثر توانایی خود در انتخابات حضور پیدا کند و شرایط به شکلی رقم خورد که با محدودیت مواجه بودند. این محدودیت‌ها در برخی مقاطع مانند مجلس دهم تا حدودی کمتر شد اما در اغلب انتخابات این محدودیت‌ها وجود داشت

نگره

ریشه اختلاف ایران و روسیه

به رغم عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای و حمایت ایران از روسیه، وزارت امور خارجه روسیه ادعاهای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه گانه ایرانی در نزدیکی تنگه هرمز را مورد تأیید قرار داد. وزارت امور خارجه ایران در یک اقدام دیپلماتیک سفیر روسیه را احضار کرد. ایران از روسیه خواست در این مورد موضع خود را توضیح کند. سفیر ایران در روسیه با نماینده رئیس جمهور روسیه در امور خاورمیانه و معاون وزیر امور خارجه در مسکو دیدار کرد. روسیه بر موضع خود ماند. رفتار روسیه به جای نشان دادن قدرت، ضعف در روابطش با غرب، ایران و کشورهای عربی را آشکار ساخت. روسیه در حال حاضر در دستیابی به اهداف خود در اوکراین ناکام مانده و نتوانسته جلوی گسترش ناتو را بگیرد. ترکیه علاوه بر حمایت از عضویت سوئد در ناتو، حمایت خود را از عضویت اوکراین در ناتو نیز اعلام کرده است. اوکراین کماکان از حمایت همه جانبه غرب برخوردار است و هیچ چشم انداز فوری‌ای برای امتیاز دادن به مسکو برای صلح وجود ندارد. در حالی که ایران از طریق اهرم‌های سیاسی و دیپلماتیک به حمایت از روسیه ادامه می‌دهد، مسکو از این بیم دارد که تهران از این حمایت به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات برای احیای برجام با ایالات متحده و اروپا استفاده کند. به نظر می‌رسد یک «توافق غیررسمی و نانوشته» تازه بین ایالات متحده و ایران که اجرای آن آغاز شده نگرانی روسیه را برانگیخته است. ایران متعهد شده که همکاری خود را با بازسان بین‌المللی هسته‌ای گسترش دهد. واکنش‌های مقام‌های ایران به روسیه در مورد به چالش کشیدن مالکیت تهران بر جزایر سه گانه شدیدتر از واکنش مشابه ایران به موضع دولت چین در این باره بوده است. به گفته رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران در مورد آخرین مواضع روسیه، حمایت ایران از روسیه مشروط است. محسن رضایی نیز اعلام کرد که روابط ایران با روسیه ناشی از ضعف ایران نیست و روسیه باید موضع خود را اصلاح کند. بنابراین، هزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک بالای حمایت از روسیه ممکن است باعث شود ایران در سیاست خود تجدید نظر کند. یک منبع آگاه در تهران می‌گوید ایران قصد دارد در موضع خود در مورد جنگ اوکراین تجدید نظر کند. این منبع بر اساس واکنش مقام‌های ایران می‌گوید برای تهران این امر قطعی شده که روسیه قدرت و توان خود را برای ایفای نقش اساسی در معادلات اقتصادی و امنیتی بین‌المللی و دوجانبه از دست داده است. در حالی که روسیه با اتکای بیش از حد به تهدیدات و اقدامات نظامی نتوانست به نتایج مطلوب دست یابد، توسعه ناتو ادامه یافت، زیرا جمهوری‌های بیشتری در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی درهای خود را به روی نفوذ اتحادیه اروپا و ایالات متحده گشودند و از فشارهای غرب بر روسیه تبعیت کردند.

افراد کلیدی و تصمیم گیر

علاوه بر این، تنش زدایی و عادی سازی روابط ایران با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس که با میانجی‌گری چین صورت گرفت به شاکست دیپلماتیک روسیه منجر شده است. پیش از ابتکار عمل دیپلماتیک چین این روسیه بود که چارچوب «امنیت جمعی در خلیج فارس» را مطرح کرد و به دنبال آن بود که خود را به عنوان یک قدرت دیپلماتیک بزرگ در مدیریت تنش‌ها در خاورمیانه معرفی کند. روسیه دیگر نقش مهمی در مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای ایران با آمریکا و کشورهای اروپایی ندارد و چین بر روند کاهش تنش میان ایران و کشورهای عربی مسلط است. با این وجود، کشورهای عربی بر اساس بیانیته مشترک شورای همکاری خلیج فارس و روسیه مسکو را منبع مهمی برای تأثیر گذاری بر رفتار منطقه‌ای ایران می‌دانند. در مدیریت روابط با ایران چهره‌های حلقه نزدیک به ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، «نیکلای پاتروشف» دبیر شورای امنیت فدراسیون روسیه، «ایگور لویتن» و «یوری اوشاکوف» دستیاران پوتین به همراه «سرگی شویگو» وزیر دفاع وجود دارند و این افراد نقشی کلیدی در تصمیم‌گیری‌ها دارند. در این حلقه لااروف حضور ندارد کسی که اعتبار خود را به دلیل انکار جنگ قریب الوقوع با اوکراین از دست داده است. از این رو لااروف نمی‌تواند به تنهایی تصمیم بگیرد و باعث عصبانیت ایران یا تحریم احساسات ضد روسی در آن کشور شود. با این وجود، این وزارت خارجه روسیه است که منافع روسیه در برجام را به صورت دیپلماتیک مدیریت می‌کند. به نظر می‌رسد لااروف از سوی تصمیم‌گیرندگان ارشد روسیه این چراغ سبز را دریافت کرده تا به جای تعامل مخفیانه با مقام‌های ایرانی، ایران را از طریق اقدامات دیپلماتیک با کشورهای عربی تحت فشار قرار دهد. اگر چه مسکو از عادی سازی روابط بین ایران و برخی کشورهای عربی استقبال می‌کند بروز اختلافات منطقه‌ای به بهترین وجه منافع امنیتی و اقتصادی مسکو را تأمین می‌کند. نظر تهران این است که اگر روسیه واقعا عادی سازی ایران و اعراب را می‌پذیرفت و تمایلی به سوء استفاده از شکاف موجود در روابط ایران و امارات برای منافع اقتصادی یا سیاسی یکجانبه اش نداشت می‌توانست از طرح جزایر سه گانه در بیانیه چند جانبه خودداری ورزد و همچنین قادر بود به امارات توصیه کند که این موضوع را به صورت دوجانبه با تهران دنبال کند.